

گذری بر ۳۰ سال تحول کاریکاتور و کارتون بر بستر مطبوعات کاغذی

# حرفه: دبیر طرح وکارتون



آر وین کارتونیست و روزنامه‌نگار

هفد از مرور خاطرات شخصی و نقل آنها در این یادداشت این است که به مدد آن بتوانیم به تصویری بهتر از مناسبات کاری و پیشینه کاریکاتور در مطبوعات مستقل از نگاه یک تازه‌وارد بپردازیم و از آنچه در سه دهه اخیر در این حوزه در بستر مطبوعات کاغذی روی داده، بگویم و پشت‌صحنه‌اش را بازسازی کنیم، چه‌بسا تلنگری باشد برای رسیدن به درک درست‌تر و شناخت نزدیک‌تر به واقعیت وضعیت کاریکاتور و کارتون در مطبوعات و رسانه‌های ایران.

حدود ۲۰ سال پیش بود که به دفتر روزنامه زن رفتم تا کارهایم را به دبیر طرح و کارتون نشان دهم و درباره چاپشان در ستون طرح و کارتون آن روزنامه صحبت کنم. نوجوانی ۱۶ساله بودم و یکی، دو سالی بود خودم را به‌عنوان کاریکاتوریست و کارتونیست تازه‌کار و جویای چاپ اثر به همکاران مسن‌تر و باسابقه شناسانده بودم. مساعدت دبیر سرویس آن روزنامه برای دیدن کارتون‌ها و سماجت و عشق به کارتون‌کشیدن و البته کسب دستمزد و بلوغ زودرس من را به آنجا کشانده بود اما اجازه دهید کمی عقب‌تر بروم؛ در اولین قدم به دفتر روزنامه جامعه رفتم. خوش‌شانس بودم که با احمدرضا دلوند آشنا شدم. مدیر و هنرمندی شایسته و نوآور و خلاق که از راهنمایی‌هایش بهره بردم و با توجه به سن کمی که داشتم، با تواضع و میل بسیار گوش به رهنمودهایش می‌دادم و هر چه بیشتر می‌توانستم می‌آموختم. من تنها نبودم! حرفه‌ای‌ها و بزرگ‌ترهای قوم فرصت‌یافته کارتونیست در کارشان دغدغه رسیدن به کیفیتی را داشتند که دل‌وند انتظار داشت موفق به چاپ اثر در یکی از مهم‌ترین روزنامه‌های تاریخ معاصر مطبوعات ایران شوند. بدیهی است آن وقت‌ها به‌عنوان یک تازه‌کار و تازه‌وارد نه توقع انتشار کارم را داشتم و نه کاری از من پذیرفته می‌شد که دل‌خوش انتشار آن باشم و نه حتی می‌دانستم سیاست چیست و محاکمه شهردار وقت که شهر را پر از رنگ و گل کرده بود، ماجرای اصلی‌اش چه بود و چرا.

در دوران اصلاحات احمدرضا دل‌وند، به‌عنوان مدیر هنری روزنامه جامعه، طرح و کارتون را که تا آن زمان در ابعاد تمبر پستی و عکس پرسنلی و در ماهنامه‌های فنی و تخصصی چاپ می‌شد و به چشم نمی‌آمد، با رویکردی روشنفکرانه و در سایز بسیار بزرگ به صفحه اول روزنامه آورد. دل‌وند با سختگیری سنتی و تشویق به کار و کار و کار اجازه نمی‌داد طرحی فاقد آن استانداردهای صبری که او پیروی از آن را لازمه طراح‌بودن و معیار کار خوب در طراحی مطبوعاتی می‌دانست، منتشر شود؛ به بسیاری از کارتونیست‌های مشتاق زیردست خود کمک می‌کرد با هر طرحی که توفیق چاپ می‌یافت، یک پله بالاتر برون‌د و هویت بصری کارشان و شیوه نگاه‌کردن به موضوعات گوناگون خبری را در خود بهبود بخشد.

این فیلترها و این نظارت کیفی و کمی توسط یک مدیر هنری سختگیر و پرتجربه با نگاهی خاص را تحسین می‌کردم. با آن سرعتی که سبک و سیاق و زوایه نگاه و طنازی و طنزپردازی در من متحول می‌شد و شکل می‌گرفت، به سال نرسیده ا چاپ‌نشدن بسیاری از کارهای خام‌دستانه خود خشنود بودم که اثری نمانده که مایه خجالت و شرم شود.

می‌دانم در بسیاری از موارد نه من و نه بسیاری دیگر آن‌قدر خوش‌شانس نبوده‌اند که بدانند چه کاری را باید چاپ نکرد و نگذاشت چاپ شود. در سال‌های نخست از یک سو می‌خواهی کارتون‌هایت زودتر چاپ شوند و دیده و شناخته شوی و از سوی دیگر همین امر مشوق و محرک برای تداوم کار حرفه‌ای‌ات می‌شود. تشخیص این موضوع با دبیر طرح و کارتون است.

از قبیلتر «دبیر سرویس طرح و کارتون»‌اش گذشت و امضای سردبیر و مدیرمسئول را به خود دید و چاپ شد. یک روز پاییزی، به جای رقتن به هنرستان بی‌این مدیر و ولی به دفتر روزنامه زن رفتم. چه لذتی دارد اگر عاشق کاری باشید و در مسیر آن سرسختی کنید و سماجت و راهی به رویتان باز شود؛ با مدیر و متصدی کاردارن و حرفه‌ای طرف شوید که درست راهنمای‌تان می‌کند و در مناسبات کاری و روابط اجتماعی‌اش عقده‌گشایی نمی‌کنند و نقایص فردی‌اش را کنترل می‌کند و حرف و تصمیمش در مجموعه‌ای که خود جزئی از آن است، پذیرفته می‌شود و تیغ کلامش برش دارد و مأمور سره‌نیزر و ناآشنا به روزنامه و کار رسانه نیست. همان است که باید باشد. دبیر سرویس است.

آن موقع هنوز نمی‌دانستم این سازوکار و جدیت تا همان اواخر به آن صورت در روزنامه‌ها مرسوم نبود و منهای دو، سه سال نخست بعد از انقلاب وضعیت سرویس کارتون روزنامه‌ها آن‌طور که من دیده بودم و اسباب جذب و پیگیری کارتون روزنامه‌ای در من شده بود، پیش از آن نبوده و این وضعیت اتفاق خوش‌یمنی است که با انتشار مطبوعات مستقل و اصلاح‌طلب پربوال گرفته و دل‌وند و دیگرانی مانند او در این شکل‌گیری سهم داشته‌اند. به دفتر روزنامه زن رفتم تا به نیکان؛ دبیر سرویس کارتون آن روزنامه کارهایم را

نشان دهم. او با فشار و مبارزه با ارباب جریده هرطور بود موفق شده بود جایگاه اداری سرویس طرح را از یک میز مشترک داشتن با سرویسی دیگر برساند به یک اتاق مستقل در مقر تحریریه و در مراده دانم با دیگر گروه‌های تحریریه، اتاقی که چهار، پنج کارتونیست ثابت و حق‌التصورری را در خود می‌گنجاند و در آن صندلی، قهوه، میز، قندار، کاغذ، قلم، اسکنر و رایانه نیز تدارک دیده بودند.

در سال‌های پیش از آن ستون طرح و کارتون موضوعی غیرضروری بود و خرج اضافه و لاکچری! در سال‌های جنگ گاهنامه‌ها و مطبوعات فرهنگی کارمان حساس‌تر است و خروجی کارمان مورد نقد و قضاوت بیشتری قرار می‌گیرد. هر روز ده‌ها کارتون در روزنامه‌های سراسری و رسانه‌ها و خبرگزاری‌های رسمی و کانال‌های غیررسمی شبکه‌های اجتماعی اخبار و تاریخ معاصرمان را مصور می‌کند و به کارتون و طنز می‌آورد. این تاریخ را باید تمیز و شایسته و کامل نوشت نه از روی اجبار و با تردید و یاس و حذف حقایق بی‌شمار. کارتونیست تصویرگری نمی‌کند. او مؤلف و نقاد و طنز و اندیشمند هم هست. چون کارتونیست است و کارتون زیانش شده، سرمقاله و یادداشت نمی‌نویسد. کارتون می‌کشد. بیابیم حرفه‌ای و حساس و سختگیرانتر با خروجی کارتون‌هایمان رفتار کنیم و شکوفایی بصری و نقش فرهنگ‌ساز و جادوی جاودانه آن را فدای بسنده‌کردن به تصاویر فرمایشی و دستکاری‌شده و انتصاب افراد تازه‌کار و ناآشنا به روزنامه‌نگاری و دنیای سیاست و کار خبری به بهای پرداخت حقوق ثابت حداقلی و صرفه‌جویی‌های ناچیز نکنیم.

|                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                          |                                                                     |
|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------|
| <div><span><span> </span> <span> </span></span></div> <span></span>                                                                                                                                                                                                                                                                                      | <div><span><span> </span> <span> </span></span></div> <span></span> |
| <b>انتخاب دبیر گروه باید معمولاً از میان خبره‌ترین و باسابقه‌ترین‌های یک حوزه تخصصی صورت گیرد و در ساختار مدیریتی تحریریه‌ها دبیر گروه‌ها جزء باسابقه‌ترین نیروها هستند. امروز مشاهده می‌کنیم درباره سرویس طرح و کارتون چنین نیست. کارتونیست‌ها بخشی از تحریریه هستند. سر و کارشان با خبر است و به تفسیر و تحلیل می‌پردازند و ظرایف طنز را می‌شناسند</b> | <div><span><span> </span> <span> </span></span></div> <span></span> |

عام بیشتری را از طبقات مختلف اجتماعی به دست آورده بود و هریک در ژانسر خودش پیش می‌رفت. در میان روزنامه‌ها همشهری پیشرو بود. همشهری با جذب چند نیروی جوان از گل‌قا و دیگران کارتونیست‌هایش را تکمیل کرده بود و هر روز یک کارتون رنگی با موضوع شهری چاپ می‌کرد. افشین سبویی، نیکان و داود کاظمی در شکوفایی این ستون نقش داشتند. کوثر در آن زمان نقش بسیار مثبت و مهمی در توجیه ستون کاریکاتور در چارت روزنامه‌های مستقل داشت و تا قبل از مهاجرتش توانست یک‌تنه کارآفرینی کند و دستمزد‌ها را از ناچیز به بخورونمیر نزدیک کند و برای ارتقای اعتبار و ارزش این هنر زحمت زیادی کشید.

با مرور دستاوردهای این دوران و نوع نگاه جامعه و مدیران و اهل جراید و رسانه به این هنر و امکانات رسانه بالقوه‌اش، سؤال اینجاست که بدون دانستن اینکه در سال‌های طلایی کارتون مطبوعاتی چه عواملی به شکوفایی آن طراحانی انجامید که امروز پیش‌کسوتان کارتون هستند. و می‌بینیم چه اتفاقات و عواملی ما را به امروزمان رسانده که از جلاي طلایی آن سال‌ها، رنگ و لعابی اشباع‌شده و کیچ به جا مانده است. الحاق کلام و تیتَر همراه کارتون به عنوان سلیقه‌ای عمومی جا زده شده است.

## کارتون



امین آقبایی از ایران

چه شد که در عوض یک اتاق اختصاصی و ارج و قرب سازمانی، کار به یک میز و یک متصدی کم‌تجربه برای هماهنگی و سفارش کارتون رسید. قصد دارم با همکاری تمامی اذئاب و اصحاب صنف کارتون و کاریکاتور همکار و عزیزم به مرور بررسی این مسئله و دیگر مسائل ریشه‌ای و تقویت زاویه دید و نگرش‌مان به مقوله حرفه‌ای کارتون بپردازم و بحث غم نان را در اولویت‌های بعدی قرار دهم که امروز در منطقه جایگاهی مؤلف و مؤثر یافته‌ایم و رونق کارتون در کشورمان کم از همسایگانی مانند ترکیه و روسیه و کشورهای اروپایی و آمریکایی نیست و هر چه پیش‌تر می‌رویم، کارمان حساس‌تر است و خروجی کارمان مورد نقد و قضاوت بیشتری قرار می‌گیرد. هر روز ده‌ها کارتون در روزنامه‌های سراسری و رسانه‌ها و خبرگزاری‌های رسمی و کانال‌های غیررسمی شبکه‌های اجتماعی اخبار و تاریخ معاصرمان را مصور می‌کند و به کارتون و طنز می‌آورد. این تاریخ را باید تمیز و شایسته و کامل نوشت نه از روی اجبار و با تردید و یاس و حذف حقایق بی‌شمار. کارتونیست تصویرگری نمی‌کند. او مؤلف و نقاد و طنز و اندیشمند هم هست. چون کارتونیست است و کارتون زیانش شده، سرمقاله و یادداشت نمی‌نویسد. کارتون می‌کشد. بیابیم حرفه‌ای و حساس و سختگیرانتر با خروجی کارتون‌هایمان رفتار کنیم و شکوفایی بصری و نقش فرهنگ‌ساز و جادوی جاودانه آن را فدای بسنده‌کردن به تصاویر فرمایشی و دستکاری‌شده و انتصاب افراد تازه‌کار و ناآشنا به روزنامه‌نگاری و دنیای سیاست و کار خبری به بهای پرداخت حقوق ثابت حداقلی و صرفه‌جویی‌های ناچیز نکنیم.

اگر بخواهیم دای‌جان‌نایلتونی نگاه کنیم، پنداری گماشتگانی طرفدار بی‌نیال و سفارشات بی‌نیالی و دولتی مأموریت یافته‌اند که هم‌صدا با سیاست‌های محافظه‌کارانه از جنس خانه کاریکاتور عمل و به مطبوعات مستقل نفوذ کنند و تا می‌توانند کار ضعیف و کم‌کیفیت و بد چاپ کنند که هم اثربخشی آن خنثی شود و هم از لطف ماندگاری آن در یاد مخاطب کاسته شود. شاید نباشد گفت با وجود کمیت بالا در تولید، روزانه کاریکاتور و کارتون کیفیت پایینی را شاهد هستیم و بدترین دوران کاریکاتور در ایران هم نباشد، بهترین روزهایش نیست.

آخر آنکه انتخاب دبیر گروه باید معمولاً از میان خبره‌ترین و باسابقه‌ترین خبرنگاران و نویسندگان یک حوزه تخصصی صورت گیرد و در ساختار مدیریتی تحریریه‌ها دبیر گروه‌ها جزء باسابقه‌ترین نیروها هستند. امروز مشاهده می‌کنیم درباره سرویس طرح و کارتون چنین نیست. کارتونیست‌ها بخشی از تحریریه هستند. سر و کارشان با خبر است و به تفسیر و تحلیل می‌پردازند و ظرایف طنز را می‌شناسند و می‌توانند پیام یک مقاله و یک کتاب حرف را در قالب یک کادر و در یک فریم تصویری در چند دقیقه به مخاطب بفهماند و آن را ساده و قابل فهم کنند. مانند هر رشته‌ای کارتون هم پیش‌کسوت و به قول علی دیواندری، استخوان خورکرده‌های خودش را دارد. اینکه امروز می‌بینیم مدیران جراید ترجیح می‌دهند با کمترین حقوق و هزینه نوآموز و ناآشنا به کار رسانه و روزنامه‌را یا به‌عنوان دبیر طرح برگزینند، تا او باشد که با دیگر کارتونیست‌های دورکار و حق‌التحریری ارتباط بگیرد و برنامه‌ریزی کند. خود می‌تواند مهم‌ترین دلیل افت این هنر در مطبوعات و روزنامه‌های مستقل و برنده‌ای نام‌آشنای مطبوعاتی باشد.



حمیدرضا عینی خراسانی / روزنامه قانون، ضمیمه نیش خط / مهر۱۳۹۶

پیشگامان کارتون

### محسن دولو

محسن دولو را پسر کاریکاتور مدرن ایران لقب داده‌اند. اینکه این عنوان را شایسته نام او بدانیم یا خیر، موضوعی است که می‌شود درباره‌اش بحث کرد. اما همگان بر این موضوع توافق دارند که دولو با انتشار نشریه «کاریکاتور» مسیر کاریکاتور و کارتون را از شیوه مرسوم در توفیق به سوی دیگری کشاند و کاریکاتوریست‌های بزرگی را در مکتب خویش تربیت کرد؛ ستاره‌هایی که توفیق برایشان جا نداشت و با محدودیت روبه‌رو بودند.

دولو سال ۱۲۹۹ خورشیدی در تهران به دنیا آمد. نوجوانی را به همت خویش با آموختن نقاشی گذراند و در نخستین فعالیتش به عنوان کاریکاتوریست، سردبیری ضمیمه فکاهی «کاریکاتور استقلال» را پذیرفت؛ ضمیمه‌ای که یک شماره بیشتر دوام نداشت. چند ماه بعد سردبیری نشریه فکاهی پیروزی را عهده‌دار شد. او مدت‌ها با نشریات سیاسی و غیرسیاسی دهه‌های ۳۰ و ۴۰ کار کرد و سرانجام در سال ۱۳۴۶ اولین شماره مجله «کاریکاتور» را منتشر کرد. به همین دلیل بسیاری از کاریکاتوریست‌ها او را پدر کاریکاتور نوین ایران می‌نامند. کارتون ایران با کارهای او رنگی شد.

وی هواره سعی داشت در مجله‌اش کاری متفاوت با نشریه پیرطرفدار «توفیق» عرضه کند. او با ترسیم کاریکاتور چهره‌ای از خروشچف، رهبر وقت شوروی سابق، اولین جایزه معتبر و بین‌المللی را برای کاریکاتور ایران از جشنواره مونترال کانادا در سال ۱۹۶۳ به‌دست آورد. او علاوهبر کاریکاتور در زمینه‌های نقاشی کلاسیک، تهیه پوستر برای سینماها و طراحی و ساخت دکور برای تئاتر فعالیت می‌کرد.

محسن دولو بعد از نیم قرن کار بی‌وقفه در زمینه کاریکاتور و کارتون و پرداختن به بسیاری دیگر از رشته‌های هنری‌های جسمی سرانجام در پنجم دی ۱۳۷۶ در تهران درگذشت.

### خبر

## برگزاری نخستین مسابقه بین‌المللی کارتون «نیش خط» کاریکاتور دنیا را جای بهتری می‌کند

«کاریکاتور دنیا را جای بهتری می‌کند» و «مطبوعات رکن چهارم دموکراسی» دو عنوان موضوعی نخستین مسابقه‌ای هستند که گروه هنری روزنامه قانون و ضمیمه کارتون آن مجموعه که با نام نیش خط پیوست روزنامه است، اواخر تابستان امسال برگزار کردند. این مسابقه تماماً اینترنتی است اسفند ۹۵ فراخوان خود را منتشر کرد و تا خردادماه امسال توانست با ۲۵۵ هنرمند کارتونیست ۴۸ کشور نمایشگاه مجازی‌اش را برگزار کند. داوری مسابقه نیش خط از آقایان جواد علیزاده از ایران، موسی گومش از ترکیه، ولادیمیر کارانوفسکی از اوکراین، علی میرایی از ایران و کیوان وارشی (سردبیر نیش خط و رئیس کمیته هیئت داوران) از ایران برعهده داشتند و از میان هزار و ۲۰۰ اثر رسیده برندگان نخستین دوره مسابقه بین‌المللی کاریکاتور و کارتون نیش خط را انتخاب کردند. جوچو ساوو از بلغارستان به عنوان نفر اول، مجیمیرمیهاتوو از کرواسی نفر دوم و علی آقبایی از ایران به عنوان نفر سوم انتخاب شدند و جوایز نقدی به ایشان تعلق گرفت. همچنین از الکساندر زودین از روسیه، گالییم برنابایو از قزاقستان، هیکالی دیمیری از ترکیه، هوریا کریسین و بغداد پتری از رومانی، اخسان دینو از اندونزی، جینگ شان از چین، جوزف پارچال از اسپانیا کری، پرو مخمودچون اشکولو از ازبکستان، مانوئل آریساگا از اسپانیا، میخایل زلاتوفسکی از روسیه، مجتبی حیدرناه از ایران، الک لکتیو از اوکراین، پاول ماتوشکا از چک، اسلوبودان بوتیر از کرواسی، تامی تومدیان از اندونزی، وکتور اسکوپینستو از روسیه، ویسام اسد از سوریه، یوسف علی محمدی از ایران تقدیر صورت گرفت.

## گفت‌وگو» حلقه گمشده هویت حرفه‌ای کارتونیست‌های ایران



بهزاد باشو کارتونیست و طراح مطبوعات

جامعه اقوام ایرانی را مجموعه‌ای متنوع از طوایف و خانواده‌های طناز شکل داده‌اند. تاریخ ادبیات شفاهی و محاوره اقوام ایرانی ملمو از حکایت، پند و ابیات طنزانه است. طنز و مطایبه و شوخ‌طبعی، عنصری غالب در فرهنگ کهن این جغرافیاست. این شوخ‌طبعی در کنار ادبیات رسمی و شفاهی، در نقاشی‌ها و تصویرسازی‌های دوران صفویه و حتی جلوتر از آن دیده می‌شود. وقتی هنرمندان و تصویرگران ایرانی، انیرانی‌ها را، یعنی دشمنان نژادی و فرهنگی خود را به شکلی مضحک یا مسخ‌شده جلوه داده‌اند، به این قصد بوده که آنها را فاقد رشادت و شجاعت تصویر کنند و در حقیقت مخلوق را اهریمنی و مضحک قلمی کنند. از هنر تصویرگری متقدم‌تر، هنر حجاری ایرانی است که آنچه به جای مانده، ملمو از تصاویری طنزآمیز است که در قالب حجم و حجاری خلق شده‌اند. برای مثال کافی است شیرهای سنگی اصفهان را به‌اد بیاورید و در صورت امکان از نزدیک نگاه کنید. یک شخصیت کارتونی از جنس سنگ در ابعاد واقعی است.

با وجود چنین پیشینه‌ای اما این مسئله را باید در نظر داشت که کارتون و کاریکاتور در ایران از سویی هنر مدرن و وارداتی محسوب می‌شود که باید گفت این طرز جدید سابقه طولیل‌مدت ندارد و در حقیقت با ورود مطبوعات به جامعه ایران حیات نوین خود را آغاز می‌کند و عمری به اندازه انتشار مطبوعات در ایران دارد. وقتی به تحولات بزرگی همچون جنبش مشروطه حدود صد سال پیش نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم چطور طنز و کاریکاتور همچون سلاحی کارز خیم، جهالت، استبداد، ستمگری و وطن‌فروشی به‌کار گرفته شده است. این هنر زمانی که جامعه خواب‌آلوده بود، درهای اندیشه و هنر را به روی جهان جدید گشود که البته کاری بود خون‌بار.

خطرکردنی پدیهی که «میزرا جهانگیرخان صوراسرافیل» شمع مرده آن روزگار شد؛ یا «جلیل محمد قلی‌زاده» با روزنامه «ملانصرالدین». طنز آن هم طنز سیاسی و اجتماعی با زبانی فاحر، پرنجابت و پر از شجاعت که هنوز نیز آموزنده و رشک‌انگیز است. ملانصرالدین با ارائه کارتون‌ها و کاریکاتورهایی که در قوت طرح و استحکام معانی مکتبی درخور توجه و هنوز جذاب است، هنر را در خدمت اندیشه قرار داد. وقتی به سیر مطبوعات در همین صد سال اخیر ایران توجه می‌کنیم، نکته جالب‌توجهی خودنمایی می‌کند که به این بحث مرتبط است. دوره‌ای وجود ندارد که دست‌کم چند عنوان مطبوعه طنز و فکاهی نداشته باشیم و جالب‌تر اینکه خرید و مطالعه نشریات طنز، کارتون و کاریکاتور در سید خرید فرهنگی خانواده‌های ایرانی هم سهم قابل توجهی داشته است، اتفاقی که در حال حاضر عکس آن در جریان است. در حالی‌که کسب‌وکارهای ایرانی برای ورود به عرصه کسب جهانی آماده می‌شود و متاثر از گفتمان گلوبال‌بیزینس، تجارت جهانی، فنون مذاکره و فنون موفقیت و پول‌سازی می‌آموزند، صنعت فرهنگ ایرانی هنوز «کارتون» و بالطبع «کارتونیست» را آن‌طور که بایدوشاید به‌عنوان یک حرفه و شغل نپذیرفته است.

با وجود اینکه صنعت فرهنگ در جوامع توسعه‌یافته برای تکثر خود مشاغل جدید با شرح مسئولیت‌های روشن تعریف می‌کند، بنده در حال حاضر بخشی از عدم تحقق این اتفاق در جامعه کسب‌وکارهای فرهنگی ایران را متوجه خود کارتونیست‌ها می‌دانم. جامعه محبوب کارتون ایران (برخلاف آنچه عموم از کارتونیست‌های طنزپرداز انتظار دارند)، در میان افت‌وخیزهای اجتماعی ایران -که در مسیر توسعه اجتناب‌ناپذیر است- آسیب‌هایی دیده که قابل ریشه‌یابی است. چه چیزهایی باعث ترس این پیکره شده، کجا زخمی شده است. چه زمانی ناخودآگاهش را توهم اشغال می‌کند و در نه‌هایت از چه وقتی دچار سردرگمی شده است. وابستگی رشد تولید کارتون به شریان حیاتی مطبوعات، عدم شفافیت در فضای سیاست و سیاست‌گذاری، وضعیت اقتصادی، عدم امنیت حرفه‌ای در جامعه مطبوعات و… ازجمله عواملی است که اسباب آسیب‌دیدگی کنونی جامعه کارتونیست‌های ایران شده است. «پرشین‌کارتون» که تنها گروه کارتون ایران است که در دو دهه اخیر به صورت تئوری و عملی و در حد توان‌شان به کارتون حرفه‌ای توجه نشان داده‌اند، سال ۸۵ میزگردی با حضور آقای «جواد علیزاده»، «پهن عیدی» و بنده در یکی از روزنامه‌های صبح تهران برگزار کردند با نگاه آسیب‌شناسانه نسبت به وضعیت اقتصادی کارتون در ایران. حال بعد از نزدیک به یک دهه، آن میزگرد نخستین و تنها اتفاق برای تولید فکر و راه‌کار جمعی در جامعه کارتون ایران بود که با مشکلات پیش‌آمده برای روزنامه ادامه نیافت. امروز در شرایطی که صنایع بسته‌بندی، تبلیغات و سایر صنایع فرهنگی به‌عنوان بازارهای مشتری کارتون در حال رشد و پول‌سازی هستند، کارتونیست‌های ایران برای بهبودی و برون‌رفت از سردرگمی نیازمند تامل، تدبر و گفت‌وگو هستند تا به بازارهای جدید و به نظام حقوق و دستمزد فکر کنند تا در نه‌هایت در یک اقدام جمعی همچون یک انجمن تبلور یابند.

ادامه از صفحه ۱۰

### نجات خوک جهش یافته

دست به معامله می‌زنند و خوک طلاایی و کوچک خود را که پدربزرگش در ابتدای فیلم به او داده بود در قبال آزادی اوکجا می‌دهد. رئیس کارخانه در برابر سؤال دختر که می‌پرسد چرا می‌خواهی اوکجا را بکشی، می‌گوید: چون لاشه را می‌توانم بفروشم. این دقیقاً کیفیت انتزاعی است که یونگ جو هو از ابتدای فیلم سعی در به‌تصویرکشیدن آن داشت یعنی ارزش کالا و انسان و حیوان همه در نگاه امروز سرمایه‌داری در ارزش مبادله‌شان معنا و مفهوم پیدا می‌کند نه ارزش مصرف. با اینکه خوک دخترپچه به طبیعتی که از آن آمده، بازمی‌گردد اما سرنوشته هزاران‌هزار خوک جهش ژنتیکی یافته در دستان نظام سرمایه‌داری است که به سود بیشتر می‌اندیشد و مفهوم موجود نوعی را هیچ می‌شمارد. تا آن زمان راه بسیار است زمانی که فرد انسان در زندگی روزانه‌اش کار فردی و روابط فردی‌اش را به صورت موجود نوعی درآورد.

محمد رضا ثقفی / روزنامه شهروند / ۱۳مهر۱۳۹۶

علی‌رضا صدیقی / روزنامه قانون، ضمیمه نیش خط / ۱۲مهر۱۳۹۶